

حق داده شود موقتاً تصمیحاتی اتخاذ و بوقوع اجراء بگذارند .

۷ - در دعاوی بین مردم و کسبه و اهل صنعت و اهل صنعت و شکایات مربوط بمرزد و اجرت که ارتباط با طبقات متوسط و بی بضاعت دارد (بنیر از آنچه در قانون کار پیش بینی شده) باید مطلقاً تشریفاتی وجود نداشته باشد و بمجرد شکایت شفاهی یا کتبی محاکم دعاوی و شکایت را قطع و فصل کنند .

۸ - در دعاوی بین مالکین و کشاورزان و با کشاورزان بین خود نیز باید دادگاههایی تشکیل گردد که بدون تشریفات باختلافات رسیدگی کند تا عامه مردم از کشاورز و صنعتگر و دکاندار و کاسب و شاکردها و کارگرها و مزدبگیرهای آنها بتوانند از قانون بدون تشریفات استفاده کنند .

۹ - دعاوی تجارتمی نیز باید بفوریت در هر دو مرحله رسیدگی شود و این فوریت در رسیدگی دعاوی تجارتمی در تشویق مردم بفعالیت و کارهای تولیدی هم مؤثر است .

مقصود از ذکر مطالب فوق بمنوان مثال است تا معلوم گردد با اصلاح و تغییر قانون آئین دادرسی مدنی هم عامه مردم از قانون و عدالت بهره مند خواهند شد و هم بخودی خود جریان محاکمات سریع خواهد گردید و الا مادام که قوانین کشور غیر مطابق با احتیاجات مردم و مقتضیات عمومی کشوری و محلی است نمیتوان بهیچ نوع اصلاحاتی امیدوار بود و وقتی قانون صحیح و مطابق با مقتضیات و احتیاجات باشد در آن صورت مراقبت و نظارت نمریغش است .

(توضیحاً باطلاع خوانندگان گرامی میرساند که نه مورد مذکور در این مقاله غیر از مواردی است که مورد مطالعه و تصویب هیئت مدیره کانون در سال ۱۳۲۳ واقع شده .)

شعبه علم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجلس عالی علوم انسانی

دکتر حسین فاخر (نماینده مجلس شورای ملی)

ثبت و انتشار قراردادها و عهد نامه های بین المللی

موضوع ثبت و انتشار قراردادها و عهد نامه های بین المللی از اوایل قرن بیستم مورد بحث مراجع بین المللی قرار گرفته است . اهم دلایلی که برله لزوم ثبت و انتشار چنین اسناد میتوان اقامه کرد برار زیرند :

- ۱ - چنین ثبت و انتشار احتمال وجود تعهدات و قراردادهای سری را از بین میبرد و بدین ترتیب بجلوگیری از دسته بندهای مضربین المللی کمک میکند .
- ۲ - قرارداد و عهد نامه های بین المللی هر یک از کشورها را حتی در نظر

خود آن کشورها و برای تمام مدت آینده روشن میسازد و بدین ترتیب استناد يك طرف را بوجود يك قرارداد یا عهد نامه بین المللی در گذشته در مقابل طرف دیگر عملاً ازین میبرد مگر اینکه چنین سندی در واقع وجود داشته و قبلاً ثبت و انتشار یافته باشد.

۳- چون یکی از طرق توسعه و پیدایش قوانین بین المللی قرارداد های بین المللی است بنا براین انتشار آنها کمک بطلاب و نویسندگان امور و حقوق بین المللی میکند.

بجهايات بالا ، در سال ۱۹۱۸ میلادی موقع تنظیم میثاق جامعه ملل سابق ماده ۱۸ آن تحت عنوان « ثبت و انتشار قراردادها » بترتیب زیر تنظیم یافت :

« کلیه قراردادها و عهد نامه های بین المللی که متبعم از طرف هر يك از اعضای جامعه ملل منعقد میشوند باید در دبیرخانه جامعه ملل ثبت گشته و دبیرخانه نیز موظف است هر چه زودتر این اسناد را منتشر سازد . تا زمانیکه يك قرارداد و یا عهد نامه بین المللی باین ترتیب به ثبت نرسیده ایجاد تعهدی نخواهد کرد . »

پیش بینی فوق الذکر ، علی الخصوص در موقع شروع کار جامعه ملل سابق ، از نظر تیشه بریشه اسناد بقراردادها و تعهدات سری بین المللی زدن قدم مهم و مؤثری شناخته شد . مهذا در مدت قریب بیست سال دوران کار جامعه ملل در بقاء ماده ۱۸ میثاق توسلی جسته نشد . اگر چه دبیرخانه جامعه ملل نسبت به ثبت و انتشار قراردادها و عهد نامه های بین المللی اراده شده اقدام کرد و بدین ترتیب سالیانه يك مجموعه مفید که حاوی اسناد مزبور بود انتشار داد .

از سال ۱۹۳۹ که دستگاه جامعه ملل سابق عملاً از کار بازماند ، انتشار مجموعه مفید نامبرده نیز متوقف شد تا اینکه در سال ۱۹۴۵ موقع نوشتن منشور ملل متحد امروزی ماده ۱۰۲ آن تنظیم گردید که بترتیب زیر مقرر داشته است :

« ۱- هر قرارداد یا عهد نامه بین المللی که پس از لازم الاجراء شدن این منشور بوسیله یکی از اعضاء ملل متحد منعقد گردد باید هر چه زودتر بوسیله دبیرخانه ثبت و منتشر شود .

۲- هیچك از طرفهای يك عهد نامه یا قرارداد بین المللی که بر طبق مقررات قمره اول این ماده به ثبت نرسیده باشد نمیتواند در محضر ارکان یا مؤسسات سازمان از مفاد آن عهد نامه یا قرارداد استفاده کند . »

در پیرو متن ماده ۱۰۲ منشور ، مجمع عمومی ملل متحد در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۴۶ تصویبنامه ای را گذارند که نظامنامه اجرای مفاد ماده ۱۰۲ منشور از طرف دبیرخانه ملل متحد میباشد .

اگر متن ماده ۱۰۲ منشور و تصویبنامه فوق‌الذکر مجمع عمومی ملل متحد را بامتن ماده ۱۸ میثاق جامعه ملل سابق (که فوقاً نقل شد) مقایسه کنیم چند نکته مهم مشابه و یک نکته بسیار مهم مختلف در آنها ملاحظه خواهیم کرد .
نکات مشابه دوماده مزبور مورد مقایسه بقرار زیرند :

۱- هر دو ماده باستناد مورد بحث بعنوان « قرارداد و عهدنامه بین‌المللی » اشاره کرده بدون اینکه توصیف این دو اسم (قرارداد بین‌المللی و عهدنامه بین‌المللی) را بکنند و بدین ترتیب حدود معنای آنها را بعمل واگذار کرده اند . ولی اگر در نظر بگیریم که هر دو ماده ارائه چنین اسناد را برای « ثبت » از وظایف عضو یا اعضای سازمان (جامعه ملل سابق در میثاق و ملل متحد در منشور) که در قرارداد و یا عهدنامه مورد بحث شرکت کرده‌اند میدانند (نه وظیفه دبیرخانه به ثبت و انتشار آنها بدون مراجعه اعضای مزبور) پس یکی از شرایط مهم « قرارداد و یا عهد نامه بین‌المللی » بودن بمعنای این دو ماده توافق طرفین به « قرارداد » یا « عهدنامه » بین‌المللی شناختن سند مورد بحث است .

۲- هر دو ماده پیش‌بینی میکنند که مفاد آنها به فراداد ها و یا عهدنامه های بین‌المللی اطلاق میشود که بعد از لازم‌الاجرا شدن این مواد (یعنی لازم‌الاجرا شدن میثاق و منشور) منعقد شده باشد . معیناً چون بین سالهای ۱۹۴۵ و ۱۹۳۹ علاوه دستگام جامعه ملل سابق از کار بازمانده و سازمان ملل متحد فعلی نیز تأسیس نشده بود و بالتبع مجموعه های مفید حاوی قراردادها و عهد نامه های بین‌المللی منعقد شده در این مدت ثبت و منتشر نمیشد بدین جهت در نظامنامه سابق الذکر مجمع عمومی ملل متحد دبیرخانه این سازمان جدید دستور داده شد که محض تکمیل سوابق مربوطه قراردادها و عهد نامه های بین‌المللی را نیز که قبل از لازم‌الاجرا شدن منشور ملل متحد (۲۴ اکتبر ۱۹۴۵) تنظیم یافته و از طرف اعضای ملل متحد ارائه شده باشد جمع آوری کند (البته عمل اخیر غیر از « ثبت » و « منتشر » کردن آنها است) .

۳- هر دو ماده ارائه قرارداد یا عهد نامه بین‌المللی را دبیرخانه برای ثبت و انتشار به بعد از « منعقد کردن » قرارداد یا عهدنامه لازم میدانند . این فعل « منعقد کردن » در متر انگلیسی entered into نوشته شده و طبق نظامنامه مربوط باجرائ مفاد ۱۰۲ منشور نیز این طور تفسیر شده است که منظور خاتمه کلیه مراحل مربوط به عقد يك قرارداد یا عهدنامه و شروع باجرائ آنست .

۴- هر دو ماده پیش‌بینی میکنند که وظیفه ارائه دادن قراردادها و عهدنامه های بین‌المللی برای ثبت در دبیرخانه بمعده اعضای جامعه ملل سابق (در میثاق) و اعضای ملل متحد (در منشور فعلی) میباشد . ولی نظامنامه سابق الذکر مجمع عمومی ملل متحد دبیرخانه اجازه داده است که :

اولاً از لحاظ تکمیل مجبوءه های حاوی این اسناد قراردادها و عهدنامه های بین المللی را که از طرف غیر اعضای ملل متحد ارائه داده شوند نیز جمع آوری کند .

ثانیاً اگر در متن قراردادها و عهدنامه های مورد بحث طرفین رأساً بدییرخانه ملل متحد اجازه ثبت و انتشار آنرا داده باشند بدییرخانه میتواند بدون تقاضای مجدد امضاءکنندگان سند اقدام به ثبت و انتشار آنها بکند .

اختلاف مهم بین پیش بینی ماده ۱۸ میثاق جامعه ملل سابق و ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد فعلی که بآن اشاره کردیم عبارتست از اینکه میثاق جامعه ملل پیش بینی میکند که در صورت وجود تغلف اعضای آن جامعه از ارائه دادن يك قرارداد یا عهدنامه بین المللی خود جهت ثبت و انتشار بوسیله بدییرخانه آن جامعه تا زمانیکه این قرارداد یا عهدنامه بین المللی بترتیب مزبور به ثبت نرسیده است « ایجاد تمهیدی » برای طرفین نمیکند . در صورتیکه عکس العمل منشور در مقابل تغلف مشابهاً ضعیف تر از عکس العمل میثاق میباشد باین معنی که بموجب ماده ۱۰۲ منشور در صورت وجود چنین تغلف هیچیک از طرفهای قرارداد و یا عهدنامه بین المللی نمیتواند در محضر هیچیک از ارکان « سازمان بآن عهدنامه یا قرارداد » استناد کند .

ناگفته نماند ، اگر در نظر بگیریم که در دوران تشکیل سازمان ملل متحد وظایف و فعالیت این سازمان جدید بحدی توسعه یافته است که امروزه کمتر واقعه یا امر بین المللی مشاهده میشود که بنحوی با وظایف و فعالیتهای سازمان ملل متحد تماس حاصل نکند و مشمول رسیدگی آنها قرار نگیرد در چنین موارد نیز طبق پیش بینی ماده ۱۰۲ منشور هیچیک از دول ذیدخل در قرارداد و یا عهدنامه بین المللی که در بدییرخانه ملل متحد ثبت و منتشر نشده باشد نمیتواند بمقاد آن استناد کند پس عملاً از اختلافی که بین ماده ۱۸ میثاق جامعه ملل سابق و ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد حاضر ملاحظه میشود کاسه شده است .